

سیاست و تجارت در فارس

از برافتادن صفویان تا برآمدن زندیان

احمد بازماندگان خمیری



بہارِ حرمِ افرغیہ



سیاست و تجارت در فارس

از برافتادن صفویان تا برآمدن زندیان

دکتر احمد بازماندگان خمیری

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور مرکز بین الملل قشم



نشریات نگارستان اندیش

تهران ۱۴۰۲

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور
مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک
یادداشت
عنوان دیگر
موضوع

رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی

بازماندگان خمیری، احمد ۱۳۵۴ -
سیاست و تجارت در فارس: از برافتادن صفویان تا برآمدن زندیان. نویسنده: احمد بازماندگان خمیری
تهران: نگارستان اندیشه، ۱۴۰۳.
۳۵۳ ص.
978-622-5273-47-4
کتابنامه. نمایه.
از برافتادن صفویان تا برآمدن زندیان.
نادر افشار، شاه ایران، ۱۱۰۰-۱۱۶۰ ق. ایران -- بازگانی -- تاریخ -- قرن ۱۰ - ۱۲ ق. فارس -- تاریخ -
- قرن ۱۰ - ۱۲ ق. ایران -- تاریخ -- زندیان، ۱۱۶۳ - ۱۲۰۹ ق.
Iran - Commerce -- History - 16 - 18th century. Fars (Iran: Province) -- History -
- 16-18th century. Iran -- History -- Zandids, 1750 - 1794

DSR ۲۱۳۴
۷۳۵/۹۵۵
۹۳۳۹۳۷۴

سیاست و تجارت در فارس از برافتادن صفویان تا برآمدن زندیان احمد بازماندگان خمیری

عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور مرکز بین الملل قشم
ناشر: نگارستان اندیشه

طراح جلد: سعید صحابی
نمونه خوانی: وحید دریابیگی
حروف نگاری و صفحه آرایی: مرتضی انصاف منش
شمارگان: ۳۳۰ نسخه

نوبت چاپ: نخست ۱۴۰۲

قیمت: ۲۸۰ هزار تومان

978-622-5273-47-4

چاپ و صحافی: نقره آبی

همه حقوق این اثر، برای ناشر محفوظ است.

نقل بخش هایی از متن با ذکر منبع مجاز است.

نشانی: خ وحید نظری، بن پست فرزانه، شماره ۱۱، واحد ۳

تلفن: ۶۶۴۳۵۴۱۶ نمایه: ۶۶۹۴۲۵۴۲

www.cins.ir - info@cins.ir



انتشارات نگارستان اندیشه

پیشگفتار

دوره‌ی میان تصرف اصفهان توسط افغانها و برآمدن و استقرار قاجار در ایران را می‌توان عصر فترت نامید. در این دوره ایران نتوانست آن ثبات و استقرار نظام سیاسی که در عصر صفویه تجربه کرده بود را بار دیگر احیا کند و در عمل باعث شد از تحولات جهانی غافل و عقب بیفتد. تحولات این دوره را می‌توان از جنبه‌های گوناگون مورد ارزیابی قرار داد. در این کتاب کوشیده‌ام رابطه‌ی میان عامل سیاسی و یکی از شاخه‌های عامل اقتصادی یعنی تجارت و تاثیر آنها بر یکدیگر در ایالت فارس را مورد بررسی قرار دهم.

برای تاریخ سیاسی پژوهشگر منابع کافی در دسترس دارد و براساس آنها می‌تواند تحلیل جامعی از اوضاع ارائه دهد. متأسفانه برای تاریخ تجاری این چنین نیست. نبود آمار و ارقام از سوی منابع ایرانی، عدم توجه به تجارت در گزارش‌های تاریخی بخشی از مشکلاتی است که پژوهشگر در هنگام نگارش این کتاب با آن روبرو بود. بسیاری از گزارش‌های موجود در نسخ چاپی در دسترس نبود، ناگزیر به نسخ خطی مراجعه شد. متأسفانه تمام این نسخ در دسترس و قابل استفاده نبودند. برخی از نسخه‌ها یا در خارج از ایران بودند و اجازه دسترسی را به آنها نمی‌دادند، مانند نسخی که در ازبکستان هستند بعضی دیگر که در ایران بودند که شوربختانه گم یا غیرقابل استفاده بودند. به همین دلیل نویسنده در خصوص آمار و بحث اقتصادی ناگزیر شده است بیشتر تحلیل خود را بر پایه گزارش‌های اروپاییان قرار دهد که تمام این گزارش‌ها هم خالی از غرض نیستند.

در اینجا لازم می‌دانم از تمام کسانی که در تهیه و نگارش این متن مرایاری دادند سپاسگزاری نمایم. از دکتر منصور صفت گل که در دوره دانشجویی راهنمایی مرا برعهده داشتند و هر بار ذهن مرا به نکته و مسئله جدیدی از مباحث سیاسی و ارتباط آن با بحث تجارت جلب می‌کردند، از دکتر محمد باقر وثوقی که مانند یک دوست و برادر بزرگتر هیچ‌گاه نصیحت‌های مشفقانه خود را از من دریغ نکرده‌اند، همچنین از استاد عزیزم دکتر عبدالرسول

خیراندیش که همیشه در عمل و در گفتار مرا مورد لطف خود قرار داده‌اند و از همه دوستانی که با حرفها و نکته‌سنجی‌های خود در تدوین و نگارش این کتاب یاریگر من بودند سپاسگزاریم را اعلام می‌نمایم.

از مدیریت انتشارات نگارستان اندیشه آقای دکتر حیدرنیا که بی‌منت زحمت چاپ و نشر این کتاب را پذیرفتند کمال تشکر و امتنان دارم.

احمد بازماندگان خمیری

بهار ۱۴۰۲ خورشیدی

فهرست

درآمد	۹
فصل اول: نبرد اراده‌ها؛ اوضاع سیاسی فارس از سقوط اصفهان (۱۱۰۱ خ) تا برآمدن زندیان (۱۱۳۷ خ)	۴۱
جغرافیای فارس	۴۳
اوضاع سیاسی فارس مقارن سقوط اصفهان	۴۷
فارس در دوره افغانه: حکومت بی اقتدار	۵۰
فارس در عهد نادرشاه افشار: یکپارچگی با شمشیر خونین	۵۳
عصر فترت (خوانین اولیه)	۵۷
کریم خان، اعاده قدرت مرکزی	۶۴
فصل دوم: شورش‌ها و عصیان‌ها؛ دگرگونی‌های ساخت سیاسی فارس	۷۳
پیش درآمد	۷۵
شورش‌های مدعیان سلطنت	۷۶
شیخ احمد مدنی: شیخی در رؤیای قدرت	۸۲
محمدخان بلوچ: رویارویی فارسیان با خراسانیان	۸۸
محمدتقی خان: پویش یک خان برای قدرت	۹۴
فصل سوم: حرکت آرام به سوی قدرت؛ نقش آفرینی ایلات و عشایر	۱۰۱
ایلات در فارس	۱۰۳
گروه‌بندی ایلات فارس	۱۰۸
سیاست نادرشاه و کریم خان در برابر ایلات	۱۱۴
فصل چهارم: ساخت دیوانی و قدرت سیاسی	۱۱۷
نظامی‌گری، شاخصه اصلی حکومت نادرشاه	۱۱۹
ناوگان دریایی و قبودان‌باشی	۱۲۴
بیگلربیگی	۱۳۳

صاحب اختیار.....	۱۳۸
کلانتر.....	۱۴۴
وزیر ایالت.....	۱۵۰
شاهبندر.....	۱۵۴
فصل پنجم: نظام خان‌خانی: تکاپوی مدعیان قدرت.....	۱۵۹
پیش درآمد.....	۱۶۱
نصیرخان، لارستان و تکاپو برای احیای گذشته.....	۱۶۲
ملاعلی شاه: خان بی‌پشتوانه.....	۱۷۶
فصل ششم: فارس، بازرگانان و هوایی تجارت.....	۱۹۱
درآمد.....	۱۹۳
نقش تجار در تحولات اجتماعی.....	۱۹۳
انواع تجارت.....	۱۹۷
نظام تجاری.....	۲۰۳
تاجر.....	۲۰۸
ملک‌التجار.....	۲۱۱
سیاست تجاری نادرشاه.....	۲۱۴
تجار و سیاست.....	۲۱۸
تجار و شرکت‌های اروپایی.....	۲۲۱
خاندان‌های تاجر در فارس.....	۲۲۳
فصل هفتم: شهرهای فارس: کانون‌های داد و ستد.....	۲۲۵
درآمد.....	۲۲۷
رابطه شهرها و تجارت از دیدگاه وبر.....	۲۲۷
بازار.....	۲۳۱
کاروان و کاروانسرا.....	۲۳۴
فصل هشتم: نظام راه و راهداری: تداوم و تحول.....	۲۳۹
درآمد.....	۲۴۱
راه‌های زمینی.....	۲۴۱
راه‌های دریایی.....	۲۴۶

۲۴۹	نظام راهداری
۲۵۳	فصل نهم: داد و ستد تجاری فارس: تداوم کارکرد تاریخی
۲۵۵	پیش درآمد
۲۵۸	صادرات
۲۵۸	صادرات به مناطق دور دست
۲۶۶	صادرات به ایالات همجوار
۲۶۸	واردات
۲۷۷	فصل دهم: افول بندرعباس و برآمدن بوشهر: جایجایی کانون‌های تجاری
۲۷۹	پیش درآمد
۲۸۰	زمینه‌های افول بندرعباس
۲۸۴	افول بندرعباس
۲۹۶	برآمدن بوشهر
۳۰۹	نتیجه
۳۱۵	پیوست‌ها
۳۳۱	منابع و پژوهش‌ها
۳۴۷	نمایه

درآمد

سقوط دولت صفویه پایان یک دوره طولانی ثبات سیاسی - اقتصادی در ایران بود. واپسین سال های حکومت آن دودمان شاهد شورش ها و نا امنی های مکرر در سراسر ایران بود. یکی از همین طغیان ها زمینه ساز سقوط اصفهان و در محاق رفتن قدرت سیاسی آنها شد. اگرچه حکومت صفویه تا سال ۱۱۱۴ خ به حیات خود ادامه داد؛ اما از آن کالبد دیگر رمقی برجای نمانده بود تا بتواند آب رفته را به جوی باز گرداند. در این میان اوضاع ایالات نیز مغشوش شد. ایالت فارس در این دوره به عنوان یکی از مهم ترین ایالات ایران که نقشی آشکار در تشکیل سلسله های حکومت گری بعدی ایفا کرد از موقعیت ویژه ای برخوردار بود. تحولات این ایالت همچون ادوار پیشین، در سراسر کشور اثرات خود را برجای نهاد.

از سقوط اصفهان تا استقرار کامل کریم خان در شیراز (۱۱۳۷-۱۱۰۱ خ) شاهد دوره از هرج و مرج و جنگ های طولانی مدت بین گروه های مختلف در فارس هستیم. فضای سیاسی فارس در این دوره سیال و متغیر بود. با وجود این می توان برای آن دو وجه مشخص در نظر گرفت:

الف) دوره تمرکز نسبی قدرت سیاسی

ب) دوره پراکندگی قدرت سیاسی

این بازه زمانی از مهم ترین دوره های تاریخی فارس به شمار می رود و می توان آن را به چهار دوره افغانه، افشاریه، خوانین اولیه و زندیه تقسیم کرد که هر کدام از آنها از نظر اداری - سیاسی دارای ویژگی های خاص خود است. حکومت گران در هر دوره با توجه به نیازها و ضرورت ها، تغییراتی در ساخت سیاسی فارس ایجاد کردند که این تغییرات بر دیگر ساختارهای فارس از جمله تجارت به طور مستقیم اثر خود را برجای گذاشت.

خوانین گروهی بودند که از درون مناسبات سیاسی - اقتصادی حاکم بر این دوره در فارس برخاستند. در این مدت نیروها و افراد مختلفی در صدد برآمدن تا بر آنجا تسلط یابند. این گروه ها برخی نمایندگان نیروهای بیرون از ایالت فارس بودند و عده ای دیگر از حکام محلی کوچک آن

ایالت به شمار می‌رفتند. از درون این روابط و کشمکش‌ها خوانین موفق شدند قدرت خود را تثبیت کنند و در تحولات فارس به ایفای نقش مهمی پردازند. خوانین اگرچه گاهی برای تقویت خود و رقابت با رقبای حکومت‌گران خارج از فارس کمک می‌جستند؛ اما عمده اتکای آنها بر منابع و امکانات داخلی خود آن ایالت بود. آنها بر نیروهای محلی و مزدور متکی بودند و از آنها برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کردند. آنها توانستند برای بیش از صد و اندی سال در تحولات سیاسی فارس نقش مستقیم و مهمی ایفاء کنند.

هرچند نیروهای سیاسی از ابزار نظامی برای پیشبرد اهداف خود سود می‌بردند؛ اما تجارت و تجاری‌گری از مهم‌ترین تأمین‌کننده‌های مالی آنها محسوب می‌شدند. از این رو فهم این دوره بدون بررسی ساخت تجاری امکان‌پذیر نیست. مسئله تاجرو تجارت یکی از مهم‌ترین مباحث تاریخ اجتماعی است. به دلیل کمبود منابع ترسیم عملکرد و روابط درونی این ساخت چندان آسان نیست. این مسئله موجب شده تا کمتر بدان پردازند. به ویژه برای این دوره که بیشتر آن را هرج و مرج و جنگ فراگرفته است. بازرگانان در عصر صفویه با داشتن ثروت، نفوذ و اعتبار اجتماعی فراوان و روابط نزدیک و تنگاتنگ با گروه‌های مذهبی، توان تأثیرگذاری بالایی بر تحولات داشتند. آنها توانستند به ثروت و اعتبار دست یابند و از نفوذ خود در نزد شاهان در راستای اهداف‌شان استفاده کنند. با سقوط دولت صفویه و در دوران نابسامانی سیاسی، بازرگانان برای گسترش تجارت و کسب سودهای بیشتر به ائتلاف و اتحاد با گروه‌های مختلف سیاسی - اجتماعی روی آوردند. اما این اتحادها همیشه سودبخش نبود و بیشتر به سود گروه‌های سیاسی بود تا تجاری.

با توجه به مطالب بالا باید گفت که هرچند در خصوص افغانه، افشاریه و زندیه به اجمال تحقیقاتی صورت گرفته است. اما در مورد خوانین، چگونگی برآمدن آنها و روابط آنها با ساخت تجاری فارس در این دوره پژوهش مستقل و فراگیری انجام نشده است. از این رو جای چنین پژوهشی در عرصه تاریخ محلی خالی است. این پژوهش درصدد است چگونگی برآمدن این خوانین و نقش ساخت تجاری در آن و تغییرات و دگرگونی‌هایی که بین سال‌های ۱۱۰۱ تا ۱۱۳۷ خ در ساخت سیاسی و تجاری فارس رخ داده را مورد بررسی قرار دهد.

چارچوب نظری

بررسی تاریخ ایران در پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهد که پایه این پژوهش‌ها براساس عملکرد ساختار دولت مورد کنکاش قرار می‌گیرد. این ساختار در واژه دولت متبلور می‌شود و بیانگر ماهیت خودسرانه قدرت سیاسی است. گرایش به این عنصر «سیاست بنیاد» موجب شده است تا اجزای دیگر سازنده تاریخ این سرزمین با این عنصر مورد سنجش قرار بگیرد و هرگونه تغییر و تداوم منوط به رفتار آن عنصر بنیادی باشد. در این بینش «طبقات و اقشار اجتماعی - یعنی زمینداران، دهقانان، پیشه‌وران و بازرگانان - موجودیت تاریخی ندارند. آنها عوامل اقتصادی‌اند که از سوی دولت تعریف می‌شوند و ذیل مقولات عام و نامتعینی چون مردم ایران / ملت ایران قرار می‌گیرند و صرفاً به واسطه روابط ادعای شان با دولت و قدرت سیاسی در صحنه ظاهر می‌شوند.» (ولی، ۱۳۸۰: ۲۸) این ساختار فاقد هرگونه تحول و دگرگونی است و جامعه ایران را یک جامعه ایستا تعریف می‌کند. در عرصه تاریخ‌نگاری، سنت شرق شناختی بر غیبت نهادها و فرایندهایی متمرکز است که پویایی جوامع غربی تحت نظام‌های اقتصادی فئودالی و سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهند؛ یعنی نهاد مالکیت خصوصی بر زمین و فعالیت عقلانی اقتصادی در حوزه دادوستد و بازرگانی. غیبت این عوامل در جامعه شرقی معمولاً با شکل و عملکرد خاص دولت شرقی مرتبط است که مشخصه آن ماهیت خودسرانه قدرت سیاسی و سلطه و کنترل دولت بر منابع اصلی اقتصادی، نهادها و فرایندهای درونی جامعه است. بدین سان این شرایط گویا ماهیت اساساً راکد جامعه شرق و ذهن شرقی است. شرق فاقد تاریخ اجتماعی پویا است. تاریخ‌اش اساساً سیاسی است: تاریخ دولت‌های مستبدی است که شکل و عملکردشان الگوی جامعه شرقی را تعیین می‌کند. (همان: ۳۱-۳۰)

براساس همین رویکرد است که جامعه ایران تا پیش از مشروطیت از یک الگوی ثابت و تغییرناپذیر پیروی می‌کند. در این الگو، دولت در ایران شامل یک حاکم مستبد در رأس قدرت است و سران فئودال مناصب کلیدی را در اختیار دارند. در دوران ضعف حکومت مرکزی فئودال‌ها قلمرو مستقل و نیمه مستقلی را برای خود تشکیل می‌دهند. طبق این نگرش، تاریخ ایران چیزی نیست جز نبرد فئودال‌ها با حکومت مرکزی (فئودال بزرگ‌تر). (آرونو/ اشرفیان، ۱۳۵۶: ۱۲۹)

این گفتمان تنها مختص به نویسندگان چپ‌گرا می‌باشد؛ بلکه همان‌گونه که عباس ولی

می‌گوید گفتمان حاکم بر اندیشه‌های بسیاری از نویسندگان غربی (نظام سرمایه‌داری) نیز هست. به‌طور مثال توماس ریکس که در مورد تاریخ سیاسی افشار و زند در جنوب ایران کتابی نوشته به صراحت حکومت این نواحی را فئودالی می‌خواند و اگر گاهی به کلمه «خان» یا «شیخ» اشاره می‌کند آنها را معادل با فئودال قرار می‌دهد. (Ricks, 1974: 27) از نظر او خان‌ها، فئودال‌های زمین‌داری بودند که جهت سلطه سیاسی - اجتماعی با یکدیگر در جدال بودند. او این جنگ‌ها را «نبرد درون طبقاتی» می‌داند که بر اثر خلاء قدرت سیاسی بعد از مرگ نادر به وجود آمد و حضور نیروهای دیگری همچون کریم خان را «نیروهای خارجی» می‌خواند. (ibid. 5)

این پژوهش مدعی است که الگوی حاکم بر ساخت سیاسی فارس در این دوره با آنچه نظام فئودالی نامیده می‌شود کاملاً متفاوت است. وقایع و حوادث پس از سقوط اصفهان زمینه‌هایی را مهیا ساخت تا نوع خاصی از نظام سیاسی در جنوب ایران پایه‌ریزی شود. این نظام را «نظام خان‌خانی» می‌نامیم. برای بررسی این نظام در اینجا از نظریه پاتریمونیال و بر سود جسته‌ایم. با این توضیح که نظریه و بر به تنهایی پاسخ‌گوی چرایی و چگونگی شکل‌گیری نظام خان‌خانی نیست. از این رو برای تکمیل بحث ناگزیر از نظریه نظام جهانی والرش‌تاین نیز یاری جسته‌ایم.

هر اعمال قدرتی مستلزم سیادت است. از نظر و بر سیادت عبارت است از احتمال اطاعت گروه مشخصی از افراد از فرامین خاصی که از منبع مشخص صادر می‌شود. (و بر، ۱۳۸۴: ۳۰۲) سیادت لازم نیست که اهداف اقتصادی را دنبال کند. اما معمولاً و نه همیشه اعمال سیادت بر تعدادی از افراد، مستلزم کنترل به وسیله یک سازمان اداری است. (همانجا) این سازمان ضرورتاً پیچیده و طولانی نیست. این سازمان می‌تواند از شکل ابتدایی (شامل تعداد محدودی کارگزار) تا دیوان سالاری پیشرفته را دربر بگیرد. هر نوع سیادتی برای حفظ خود علاوه بر انگیزه‌های مادی، عاطفی و ارزشی به مبنایی دیگر نیز نیاز دارد و آن مشروعیت است. در طول تاریخ تمامی سیادت‌ها در صدد بودند برای خود مشروعیت‌سازی کنند. بر اساس مورد ادعا، نوع اطاعت، نوع سازمان اداری که برای تعیین آن لازم است و شیوه اعمال اقتدار می‌تواند متفاوت باشد. (همان: ۳۰۳)

یکی از انواع سیادت، سیادت از طریق اقتدار است یعنی قدرت فرماندهی و وظیفه فرمان‌بری. نمونه خاص این نوع سیادت را می‌توان در قدرت پادشاهی، حکمیت و پادشاهی دید. (همان: ۳۰۸) و بر تأکید دارد که سیادت همسان با قدرت فرماندهی مقتدرانه است و

نمی‌توان این دورا از یکدیگر تفکیک کرد. بدین ترتیب سیادت موقعیتی است که در آن اراده آشکار حاکم یا حکام قصد نفوذ بر کردار یک یا چند نفر غیر از خود (رعایا) را دارد و عملاً این کردار را به طریقی که دارای اهمیت اجتماعی است تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چنان‌که گویی رعیت محتوای فرمان را تنها به سبب خود فرمان مبنای کردار خود قرار داده است. (همان: ۳۱۱)

هر نظام سیاسی مستقر دارای اقتدار است. فقدان اقتدار به منزله نبود یک نظام سیاسی پایدار است. از نظر ویراقتدار دارای این ویژگی‌ها است: ۱- فرمانروا یا فرمانروایانی وجود داشته باشد. ۲- فرمان بردارانی وجود داشته باشد. ۳- اراده فرمانروا بر کردار فرمان برداران مؤثر باشد و این اراده به صورت فرمان پدیدار شود. ۴- فرمان برداران در عمل فرمان را گردن بگذارند. ۵- فرمان برداران در باطن نیز فرمان‌ها را پذیرفته و از آنها پیروی کنند. (آشوری، ۱۳۵۸: ۶۴)

براین اساس می‌توان در فارس این دوره دو الگوی نظام حاکمیت را تشخیص کرد:
الف) دوره پراکندگی قدرت سیاسی

۱- افغان‌ها: در این زمان اگرچه افغان‌ها به طور اسمی بر فارس حکومت می‌کردند، اما وجود نیروهای معارض قوی و پراکنده مانع از تثبیت یک نظام سیاسی پایدار شد.
۲- خوانین اولیه / دوره فترت (از مرگ نادرشاه تا تثبیت کریم خان در شیراز): ویژگی اصلی این دوره پراکندگی و تنوع قدرت‌های سیاسی در فارس است. برخی از آنها توانستند بیش از صد سال به صورت دوفاکتو و تحت نظر حکومت مرکزی به حیات خود ادامه دهند.

ب) دوره تمرکز نسبی قدرت سیاسی

۱- نادرشاه افشار: در این دوره سیاست‌های خشونت‌آمیز و مشت آهنین نادر یک نظام سیاسی با تمرکز نسبی را شکل داد. در این نظام خوانین و نیروهای محلی با قدرت محدود به حیات خود ادامه دادند بدون آن‌که به طور کامل از بین بروند.
۲- کریم خان: دوره تثبیت دوباره تمرکز نسبی.

در واقع اگر بخواهیم فضای سیاسی فارس بین سقوط اصفهان تا استقرار قاجار را ترسیم کنیم آن را بین پراکندگی و تمرکز نسبی در نوسان می‌بینیم. هرچند نادرشاه و کریم خان موفق شدند ثبات نسبی را در فارس ایجاد کنند؛ اما در درون این ثبات، توفانی از بی‌ثباتی و پراکندگی موج می‌زد.

از نظر ویراقتدار یک رابطه دوسویه است که هر دو طرف آن باید نقش و وظیفه خود را

بپذیرند و بدان عمل کنند. هراقتداری دارای دو مؤلفه اصلی و اساسی است که از طریق آن نمود بیرونی پیدا می‌کند: قدرت و دولت. و بر قدرت را چنین تعریف می‌کند: نیرویی که بتواند در رابطه اجتماعی اراده خود را به رغم مقاومت دیگران و بدون توجه به خواست آنها، بر آنها تحمیل کند. (همان، ۶۳) هنگامی که این قدرت سازمان دهی شود و دارای نظم و ثبات و استمرار باشد می‌تواند به دولت تبدیل شود. از این رو دولت «انحصار کاربرد زور در قلمرو معین» است. در این تعریف هیچ‌گونه قید مکانی و زمانی به کار نرفته است و به عبارت دیگر در تعریف و برآز دولت نه وسعت قلمرو و نه مدت زمان حکومت مهم است. آنچه که مهم است داشتن قدرت به کارگیری زور انحصاری و در قلمرو معین است.

و بر سه نوع اقتدار را برمی‌شمرد:

- الف) اقتدار عقلایی (قانونی): این اقتدار مبتنی بر اعتقاد به قانونی بودن مقررات موجود و حق اعمال سیادت کسانی است که این مقررات آنان را برای اعمال سیادت فراخوانده است.
- ب) اقتدار سنتی: که مبتنی است بر اعتقاد متداول به تقدس سنت‌هایی که از قدیم اعتبار داشته‌اند و مشروعیت کسانی که این سنت‌ها، آنان را مأمور و مجاز به اعمال سیادت می‌کند.
- ج) اقتدار کاریزمایی: این اقتدار بر فرمان برداری غیرعادی و استثنایی از فرد به خاطر تقدس، قهرمانی، سرمشق بودنش و نیز فرمان برداری از نظامی که وی ایجاد کرده یا به شکل وحی براو نازل شده و ایثار در برابر او و نظامش مبتنی است. نوع اول در بوروکراسی و نوع دوم در پدیسالاری نمود پیدا می‌کند. (وبر، ۱۳۸۴: ۱۳-۳۱۲)

یافتن نوع ایدئال این گونه‌های سه‌گانه اقتدار در تاریخ ایران و تاریخ جهان شاید امکان‌پذیر نباشد و باید گفت که اقتدار تلفیقی از انواع سه‌گانه فوق است که در بیشتر موارد در دو نوع آخر نمود و برجستگی داشتند.

سیادت سنتی نمی‌تواند تنها به معنای موروثی بودن باشد. در تاریخ ایران هر فرد دارای جاه و مقام که اندکی زور بازو و نیروی نظامی در اختیار داشت می‌توانست ادعای سیادت و حکومت کند. در فارس این نوع رفتار به شدت شیوع داشت و آن را می‌توان یکی از میزهای نظام خان‌خانی قلمداد کرد. همین تفکر در ضرب‌المثل «هرکس شاه شد ما رعیت» به نوعی دیگر خود را نشان می‌دهد. در دوره مورد بحث ما نیز این تفکر وجود دارد. هر فردی که می‌توانست تعدادی مزدور برگرد خود جمع کند ادعای حکومت و پادشاهی می‌کرد.

در سیادت سنتی گروه‌ها به دو گونه با حاکم پیوند می‌خورند:

الف) عضوگیری موروثی: اعضا، برده‌ها، کارمندان خانگی متعلق به خانوار، گماشتگان، کولون و آزادشدگان.

ب) عضوگیری غیرموروثی: کسانی که رابطه شخصی با سرور دارند و مورد اعتماد وی هستند، کسانی که اتحاد وفاداری با سرور دارند (واسال‌ها)، کارمندان آزاد که وفاداری به سرور را متعهد شده‌اند. (همان: ۳۶۶)

حاکم در ابتدای راه خود بیشتر متکی بر عضوگیری موروثی بود. اما هرچه بر اقتدار و قدرت او افزوده می‌شود از وابستگی او به آنها کاسته می‌شود و سعی می‌کند با نفوذ و پول بر عضوگیری غیرموروثی خود بیفزاید.

عملکرد نظام سنتی موروثی به‌گونه‌ای است که مانع از تحقق نظام سرمایه‌داری می‌شود. این نظام با ایجاد انحصار، اخذ مالیات‌های بدون ضابطه و پرداخت‌های جنسی از عقلایی شدن اقتصاد جلوگیری می‌کند. (همان: ۷۹-۲۷۸) «این‌که تا چه حد سیاست مالی سبب تقویت یا تضعیف اقتصاد می‌شود بستگی به نوع قشر اجتماعی دارد که در رأس امور است. سلطه فئودال‌ها معمولاً به سبب حقوق اربابی اعطاء شده که بیشتر ساخت موروثی دارد، آزادی فعالیت انتفاعی و تکوین بازار را محدود می‌کند یا عملاً به سبب ملاحظات قدرت مانع می‌شود. سیادت اعیان (پاتریس‌ها) تأثیر عکس دارد.» (همان‌جا)

با این حال ویر تأیید می‌کند که نظام سنتی موروثی اغلب به تجارت وابسته است و فرمانروا به مثابه حق ویژه خود به آن می‌پردازد. حاکم همچنین با وضع تعرفه‌ها، عوارض جهت اخذ پروانه عبور، دادن امتیاز در بازار، اعطای انحصار کالاها، بنیاد گذاشتن شهرها و دیگر ترفندهای مربوطه از تجار و دیگران نیز سود می‌برد. بدین ترتیب فرمانروا هزینه خانواده گسترده و ارتش شخصی‌اش را از راه عواید معاملات خود و نیز از بهره‌کشی از معاملات دیگران تأمین می‌کند. موقعیت ویژه‌ای که وی به لحاظ مالکیت بر زمین از آن برخوردار است، بیشتر از آن‌که علت سلطه سیاسی باشد نتیجه آن است. سلطه‌ای که به وسیله آن می‌تواند از امکانات موجود اقتصادی بهره‌برداری کند. (بندیکس، ۱۳۸۲: ۶۴-۳۶۳)

بررسی تاریخ سیاسی بدون فهم مناسبات اقتصادی حاکم بر آن جامعه امکان‌پذیر نیست. رابطه بین مناسبات سیاسی و اقتصادی رابطه‌ای دو سویه و متقابل است که بر یکدیگر تأثیر

نهاد و از همدیگر تأثیر می‌پذیرند. به گفته باستانی پاریزی «اصولاً تحول سیاسی و تاریخی نیست که یکی از عوامل انشاء آن عامل اقتصادی نباشد و هیچ پدیده تاریخی و سیاسی نیست که منشاء یک تحول اقتصادی نشود. به عبارت دیگر اقتصاد و سیاست - و بالنتیجه تاریخ - هیچ‌گاه از هم منفک نبوده‌اند و اگر در تواریخ گاهی به عامل اقتصاد کمتر اشاره شده من باب مساهله مورخان است که تدوین وقایع را صرفاً بر محور رفتار کردار شخصیت‌های تاریخی مقصور ساخته‌اند.» (باستانی پاریزی، ۱۳۴۸: ۱۹) از این رو مورخ برای تبیین تحولات سیاسی هر جامعه‌ای باید نگرشی جامع و کامل بر مقوله تحولات اقتصادی آن دوره نیز داشته باشد. غفلت از این مسئله مهم هر پژوهشی را اکترو ناقص می‌کند.

از دید نگارنده این سطور، نظام اقتصادی هر کشور را باید در نظام گسترده‌تر نظام اقتصاد منطقه‌ای مورد بررسی قرار داد. از این رو برای بررسی این امر نظریه نظام جهانی والرشتاین می‌تواند در درک ساخت روابط تجاری فارس مفید باشد. والرشتاین نظام جهانی را این گونه تعریف می‌کند «نظام جهانی یک نظام اجتماعی است که در آن مرزها، ساختارها، گروه‌های عضو، فرمانروایان مشروع و وابستگی وجود دارد.» (Wallerstien, 1976. v.I. p: 229) تا پیش از پیدایش نظام جهانی، نظام‌های اقتصادی مختلفی در جهان وجود داشت. والرشتاین معتقد است که اروپا جزئی از چند نظام جهان اقتصادی بود که در کنار آن، جهان اقتصادهای دیگری همچون حوزه اقیانوس هند وجود داشت که دریای سرخ و خلیج فارس و بخش‌هایی از ایران نیز در حوزه آن قرار داشت.^۱ اما تنها اروپا بود که به سرمایه‌داری ختم شد و آن را بر دیگر جهان اقتصادها مسلط ساخت. (Wallerstien, 1976. v.I. p: 17)

اقتصاد جهانی منطقه جغرافیایی وسیعی را در بر می‌گیرد که در آن تقسیم کار و در نتیجه، مبادله داخلی کالاهای مهم یا اساسی و همچنین جریان کار و سرمایه قابل توجهی وجود داشته باشد. این نظام به هیچ ساختار سیاسی واحدی مقید نیست؛ بلکه واحدهای سیاسی متعددی در داخل آن وجود دارند. یک اقتصاد جهانی دربردارنده گروه‌ها و فرهنگ‌های متعدد با مذاهب مختلف و زبان‌های متفاوت در الگوی زندگی روزمره است. (والرشتاین، ۱۳۸۸: ۵۹) اگرچه در

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص نظام اقتصادی حوزه اقیانوس هند به دواثر زیر رجوع شود:

Janet L. Abu-Lughod (1989): *Befor European Hegemony: The World System A.D1250-1350*, Oxford University press.

R. J. Barendse: Trade and State in the Arabian Seas: A Survey from the Fifteenth to the Eighteenth Century, *Journal of World History*, Vol. 11, No. 2 (Fall, 2000).

این منطقه وسیع دولت‌های گاه متخاصم حکومت می‌کردند، اما وابستگی‌های اقتصادی، آنها را در یک مجموعه قرار می‌داد. هرچند دگرگونی‌های سیاسی می‌توانست در منطقه اختلالاتی را در عرضه کالا به وجود آورد؛ اما آن مقطعی بود و بار دیگر به روند سابق برمی‌گشت. والرشتاین به درستی عامل اصلی ظهور نظام‌های سیاسی پیشین (امپراتوری، دولت - شهر و دولت - ملت) را اصل سیاست و نظامی‌گری می‌داند. درحالی‌که در نظام جدید نقش اساسی را اقتصاد ایفاء می‌کرد. مهم‌ترین وجه مشخصه این نظام آن بود که تنها یک دولت وجود ندارد، بلکه مجموعه چند دولت این نظام را شکل می‌دهند و بدان معنا می‌بخشند. (Wallerstien, 1976. v.I. p: 15)

والرشتاین پایه‌های نظام مدرن جهانی را این‌گونه برمی‌شمرد:

الف) این فرایند را نباید در کشور به کشور مورد بررسی قرار داد، بلکه آن را باید در یک مجموعه بزرگ‌تری بنام یک نظام جهانی مورد پژوهش قرار بگیرد. ب) تنها با قرار دادن کشورهای مختلف در روابط متقابل است که می‌توان دریافت چرا برخی از کشورها موفق به گردآوری ثروت و کارایی سودمند شدند. ج) او مخالف این نظریه وبری‌های بعد از ۱۳۲۳ خ/ ۱۹۴۵ م است که مدرن را در برابر سنت قرار می‌دهند. او خود را بیشتر به سمیرامین و اندره گوندلر فرانک نزدیک می‌بیند که مدرن و سنت به هم وابسته‌اند و سنت همان مدرن کنونی است که پشت سرهم ظهور کرده‌اند. از این رو عبارت «توسعه در توسعه نیافتگی» فرانک را ارجح می‌داند. (Ibid, Xviii)

از نظر والرشتاین یک نظام اقتصادی جهانی از سه منطقه تشکیل شده است: مرکز، شبه‌پیرامون و پیرامون. مرکز شامل کشورهایی می‌شود که تمرکز سرمایه، عالی‌ترین سطوح مهارت‌ها و به‌طور کلی پروسه تولید در آن‌ها قرار دارد. کشورهای شبه‌پیرامونی کشورهایی هستند که نقش بینابینی را در این سیستم بر عهده دارند. کشورهای پیرامونی کشورهایی را دربر می‌گیرند که به عنوان منبع مواد خام و خروجی‌های مازاد عرضه عمل می‌کنند. (شفیعی، ۱۳۸۲: ۴۱) به نظر والرشتاین روابط حاکم بر این نظام یک رابطه استثمارگرانه است. اما این مسئله همیشه صادق نیست. آنچه که حوزه اقتصادی اقیانوس هند را به یکدیگر پیوند می‌داد یک بازار آزاد دادوستد بود. بیشتر کالاها به هند ختم می‌شد و در موارد زیادی آن سرزمین وظیفه بازتوزیع کالاها را بر عهده داشت. از این رو طرح نظام مدرن جهانی والرشتاین در اینجا به معنی پذیرش تمام و کمال آن نیست؛ بلکه می‌توان از آن برای طرح‌ریزی یک الگوی جدید از روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در منطقه حوزه اقتصادی هند سود جست.

دوره مورد بحث ما، آغاز تسلط نظام سرمایه داری اروپا است. مهم ترین دادوستدهای تجاری خارجی فارس با حوزه اقتصادی اقیانوس هند صورت می گرفت. نقش فارس ارسال کالاهای خام به هند و تأمین مواد اولیه برای آنجا بود. هند نیز صادرکننده کالاهای نیمه صنعتی و برخی مواد خام به ایران بود. در واقع اگر بخواهیم طبق الگوی والرشتاین جایگاه فارس را مشخص کنیم می توان آن را یک سرزمین نیمه پیرامونی قلمداد کرد. در این رابطه دو سویه هرگونه واقعه سیاسی - اقتصادی در دو سرزمین بر تجارت آنها تأثیرگذار بود. نمونه آن را می توان در جابه جایی کانون های تجاری دید. تا زمانی که بندرعباس مهم ترین کانون تجاری ایران در خلیج فارس بود، بنادر تجاری رابط آن در هند، بمبئی و سورات بودند که نقش واسطه تجاری با دیگر مناطق شرق آسیا و اروپا را برعهده داشتند. با افول بندرعباس و ابتدای رونق بوشهر، که دلایل آن را در این کتاب بررسی کرده ایم، نقش بنادر هند نیز تغییر کرد. بدین گونه که چون در این دوره بوشهر یکی از مراکز مهم دادوستد پارچه در خلیج فارس محسوب می شد، از این رو ارتباط آن بیشتر با بنداری مثل موسلیپتان در هند بود که جز مراکز تولید پارچه به حساب می آمدند. بدین ترتیب در اینجا تنها نوع کالای تجاری تغییر می کند، بدون آن که تغییری در الگوی حاکم بر تجارت دو طرف روی دهد.

با این تفصیل دوره بین مرگ نادرشاه تا استقرار کامل کریم خان برمسند حکومت در شیراز را نظام خان خانی می نامیم که در اینجا به مهم ترین وجوه آن اشاره می کنیم. اما پیش از آن، توضیح یک نکته ضروری است. نظام خان خانی ضرورتاً تنها به نظام قبیله ای و ایلاتی منحصر نمی شود. برخلاف تصور برخی که خان را هراسان از شهر تصویر می کنند که برای حفظ استقلال خود ترجیح می دهد در مناطق دوردست اسکان یابد (حبیبی، ۱۳۸۴: ۱۰۳)، خان های این دوره شهرنشین هستند.

ویژگی هایی که در اینجا برمی شمیریم ممکن است در نظام های دیگر نیز یافت شوند و یا در یک حکومت خان خانی به طور کامل و همه جانبه وجود نداشته باشد. ما ویژگی ها و شاخصه ها را برای یک نظام خان خانی کامل و ایدئال در نظر گرفته ایم که بیشترین آنان، آن را دارا هستند.

ویژگی های نظام خان خانی:

۱- خاستگاه

خان در این نظام بیشتر خاستگاه شهری داشت و با شهرنشینان دارای منافع مشترک بود. مهم ترین مراکز نظام خان خانی شهرهای لار، جهرم، کازرون، بستک، بندرعباس و بوشهر بودند. اگرچه خوانین کازرون و جهرم به ایلات افشار و ذوالقدر تعلق داشتند، اما حکومت آن شهرها برای چندین سال در خانواده آنها موروثی بود. این مسئله موجب شده بود که تعلق خاطر چندانی به ایل و عشیره ای نداشته باشند و بیشترین نیروهای آنها را بومیان محلی تشکیل دهند. خاندان مذکور در بوشهر با آن که عرب بودند، اما نیروهای آن ترکیبی از عرب و فارس بودند. وجه مشترک دیگر این خوانین که پس از مرگ نادرشاه در تحولات فارس نقش اصلی ایفا کردند آن بود که همگی از درون دیوان سالاری نادر بیرون آمده بودند و چهار خان از شش خان مورد اشاره پیش از آن جزء گروه های نظامیان بودند که برای نادرشاه خدمت کرده بودند. (نصیرخان، ملاعلی شاه، شیخ ناصر بوشهری و محمدخان بستکی) این خاستگاه در عملکرد آنها به عنوان یک حاکم تأثیر بسزایی بر جای نهاد. اگر گزارش های دوران جنگ و تنگناهای مالی در اثر جنگ های داخلی را کنار بگذاریم، آنها در دیگر دوره ها درصدد ایجاد امنیت و جلب توجه شهریان و تجار و به ویژه شرکت های تجاری اروپایی بودند.

۲- تداوم و استمرار حکومت در یک خاندان

از شش مورد ذکر شده پنج مورد، حکومت آنها از دوران پیش موروثی بود: کازرون (فسایی، ۱۳۸۲: ۱۴۴۱/۲) و جهرم (همان: ۸۰/۲-۱۲۷۹). سه مورد توانستند آن را در خاندان خود موروثی کنند: لار (همان: ۶۳۸/۱)، بوشهر (فلور، ۱۳۸۹: ۱۰۶/۲) و بستک (بنی عباسیان، ۱۳۳۹: ۱۱۲) تنها در یک مورد خان (ملاعلی شاه) نتوانست در این زمینه موفقیتی به دست آورد. دلیل آن را باید در رقابت و درگیری های گروه های مختلف در بندرعباس جست و جو کرد. با این حال خاندان ملاعلی شاه نتوانست نفوذ و اقتدار خود را در خلیج فارس همچنان حفظ کند و طی صد و پنجاه سال بعد در بسیاری از وقایع و رویدادهای خلیج فارس، عمان و ایران نقش مهمی ایفا کنند. در دو مورد بین اعضای خاندان حاکم اختلاف و درگیری رخ داد (بستک و لار). در مورد لار حکومت برای مدتی از خاندان نصیرخان خارج و به برادرزاده اش منتقل شد. این اختلافات خانوادگی یکی از

معضلات اصلی این خاندان‌های حکومت‌گربود و خوانین بزرگ‌تراز آن به سود خود استفاده می‌کردند.

۳- داشتن قلمرو حکومتی در مسیرهای کاروان رو

مقر حکومت هر شش خان، شهرهای تجاری بودند (لار، بندرعباس و بوشهر) یا آن‌که در مسیر کاروان‌های تجاری قرار داشتند (کازرون، جهرم و بستک). بندرعباس مهم‌ترین بندر و مبداء ورود کالاهای تجاری ایران بود. بوشهر از اواسط دوره نادرشاه رشد کرد و توانست در دوران هرج و مرج به یکی از مبادی اصلی ورود کالا در خلیج فارس تبدیل شود. لار بعد از شیراز مهم‌ترین شهر صنعتی و تجاری فارس بود که در باز توزیع کالاهای وارداتی به فارس نقش مهمی ایفا می‌کرد. علاوه بر آن لار در مسیر کاروان‌های قرار داشت که بین بندرعباس-شیراز و اصفهان در حال تردد بودند. همچنین لار وسیع‌ترین بلوک فارس بود. (فسایی، ۱۳۸۲: ۲/۲: ۱۵۰۱-۱۵۰۲)

بستک در ناحیه جهانگیریه قرار داشت. جهانگیریه اگرچه جزء لارستان بود و در جنوب آن واقع بود، با این حال بر مسایل اقتصادی، سیاسی و مذهبی با لار رقابت می‌کرد و در دوره بعد از سقوط صفویه شاهد درگیری و اختلافات این دو منطقه هستیم. مهم‌ترین بندر این ناحیه ابتدا بندرکنگ و پس از افول آن بندرلنگه بود. بستک یک شهر ترانزیتی بود که وظیفه انتقال کالا به مناطق پس‌کرانه‌ای لار را بر عهده داشت. (فیدالگو، ۲۵۳۸: ۴۰؛ کارری، ۱۳۴۸: ۱۹۳) کازرون یکی از مهم‌ترین شهرهای فارس بود. تعداد زیادی از تجار فارس از آنجا برخاسته بودند. تعداد آنها چنان زیاد بود که فسایی از نام بردن تک تک آنها معذور می‌شود. (فسایی، ۱۳۸۲: ۲/۱۴۴۸) این شهر در غرب شیراز قرار داشت و دارای دو نوع آب و هوای گرمسیری و سردسیری بود. (همان: ۱۴۳۰/۲) کازرون در قدیم یکی از مراکز صنعتی فارس بود. در این دوره از صنعت چندانانی برخوردار نبود. موقعیت جغرافیایی آن باعث شده بود تا حلقه اتصال بوشهر به شیراز شود. علاوه بر این، آنجا یکی از مهم‌ترین مراکز پرورش اسب بود. شهر جهرم جزء معدود شهرهای این گروه است که از کشاورزی پررونقی برخوردار بود و خرماهای آن به خارج صادر می‌شد. موقعیت آن بدین‌گونه بود: از شرق به داراب، از شمال به فسا و خفر، از غرب به صیمکان و قیرو کارزین و از جنوب به بیدشهر ختم می‌گردید. (همان: ۱۲۷۸/۲) رونق کشاورزی و کشت محصولات گوناگون باعث شده بود تا تجار آنجا به صادرات محصولات کشاورزی آن ناحیه بپردازند. از

اطلاعاتی که از برخی از این تجار در دست داریم می‌دانیم که آنها معمولاً در صدور یک کالای خاص تخصص داشتند. (همان: ۱۲۸۷/۲)

۴- داشتن درآمد نسبتاً منظم مالی

درآمد اصلی خان‌نشین از طریق عوارض صادرات و واردات کالا به دست می‌آمد. این مسئله باعث شده بود تا آنها از یک درآمد همیشگی برخوردار باشند و برای سود بیشتر، تشویق تجارت را سرلوحه کار خود قرار دهند. مالیات‌ها که اغلب به صورت نقدی و کالاهای ضروری اخذ می‌شد آنها را قادر می‌ساخت تا برای دفاع از خود به استخدام نیروهای مزدور بپردازند. با این حال رقابت بین آنها و نیز فشار نیروهای خودسر در حوزه قلمروشان بزرگ‌ترین تهدید برای درآمد آنها محسوب می‌شد. به طور مثال زمانی که نصیرخان حامیان اصلی خود - محمدحسن خان قاجار و آزادخان افغان - را از دست داد فشارهای کریم خان و متحدانش بر او بیشتر شد و او را در تنگنای مالی شدیدی قرار داد. از این رو به اخاذی از تجار بندرعباس و شرکت هند شرقی انگلیس پرداخت. (Saldanha, 1986: v.I. p:145) این اقدام او موجب اعتراض عمومی و خروج تجار و شرکت از بندرعباس شد که پیامد آن کاهش درآمد نقدی و ناتوانی مقاومت در برابر کریم خان بود.

عامل دیگری که در درآمدهای پولی نقش بسزایی داشت نوع کالاهای صادراتی و وارداتی بود. تا حدود ۱۱۳۹ خ مهم‌ترین کالاهای صادراتی از جنوب ایران، کرک کرمان بود. جنگ‌های داخلی کرمان و توقف تولید آن باعث عدم رغبت شرکت هند شرقی انگلیسی در بندرعباس شد. به جای آن در بوشهر تجارت پارچه رونق داشت و انگلیسی‌ها به وارد کردن پارچه از هند بدانجا روی آوردند. این تغییر رویکرد باعث کاهش درآمد نصیرخان و افزایش منابع مالی شیخ ناصر شد.

۵- ضرب سکه

ضرب سکه از قدیم یکی از نشانه‌های اعلام استقلال بود. در دوره مورد بحث خوانین یزد برای خود سکه می‌زدند. از شش خان‌نشین مهم فارس تنها در بوشهر اطلاعاتی داریم که سکه ضرب می‌شد و آن را رویه بوشهری می‌نامیدند. (گرومون، ۱۳۷۸: ۱۲۹) در بستک خوانین آن سکه

ضرب می‌کردند که آن را «رواج دینار» می‌نامیدند. به درستی معلوم نیست که از کی آنها شروع به این کار کرده‌اند. تصاویری که از تعدادی از این سکه چاپ شده آن قدر مبهم و نامعلوم است که نمی‌توان تاریخ ضرب آنها را مشخص کرد. (بالود، ۱۳۸۷: ۲۵۳) متأسفانه در مورد دیگر خوانین اطلاعات چندانی نداریم. در بررسی‌های موجود هیچ نشانه‌ای از وجود دارالضرب در فارس در این دوره وجود ندارد. در این دوره تنها در شیراز دارالضرب رسمی فعال بود. (فرح‌بخش، ۱۳۵۴: ۷۵-۶۱) گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که تنها تا زمان شاه عباس اول در شهرهای فارس سکه ضرب می‌شد. آخرین شهری که از این امتیاز برخوردار بود، شهر لار بود که در این هنگام دارای یک حکومت نیمه مستقل بود. (همان: ۲۶) پس از تسخیر این شهر به وسیله نیروهای صفوی، دیگر به طور رسمی هیچ شهری از این امتیاز برخوردار نشد و نشانه‌ای از ضرب سکه در اختیار نداریم.

۶- استخدام نیروی مزدور

سرور در نظام پدرشاهی در ابتدای کار خود به ارتش بردگان، کولون‌ها و سربازان اجباری از میان رعایا تکیه می‌کند. (وبر، ۱۳۸۴: ۳۲۹) به محض آن که حاکم توانست برای خود از طریق تجارت، تولید یا وضع مالیات به اندازه کافی ثروت گرد آورد، نیروهای نظامی او به مزدوران اجیر شده تبدیل می‌شود. این رویه باید مسبوق به ایجاد اقتصاد پولی باشد که شانس فرمانروایان مستبد متکی به ارتش‌های مزدور را افزایش می‌دهد. چنین ارتش‌هایی مخصوصاً وقتی قابل اعتمادند که از بیگانگانی تشکیل شده باشد که تماس واقعی با مردم تحت سلطه ندارند. (بندیکس، ۱۳۸۲: ۳۷۰)

در نظام پاتریمونیال، سپاهیان می‌توانند از گروه‌های اجتماعی مختلف تشکیل شده باشد. هرچه از عمر این نظام می‌گذرد تمایل به استفاده از نیروهای مزدور افزایش می‌یابد. در نظام خان‌خانی فارس این گرایش از ابتدای شکل‌گیری آن وجه مشخصه و ویژه آن بود. خوانین فارس به دلیل نظارت بر راه‌های تجاری و مشارکت در تجارت از این مزیت برخوردار بودند که بتوانند درآمدهای نقدی قابل توجهی کسب کنند. این برتری باعث شد تا بیشتر آنها به استخدام نیروی مزدور بپردازند. مهم‌ترین نیروهای مزدور در این دوره افغان‌ها بودند. آنها در بیشتر درگیری‌ها حضور داشتند و برای گروه‌هایی که می‌توانستند بیشترین مبالغ را بپردازند بجنگند؛ از

محمد حسن خان قاجار گرفته تا کریم خان زند و دیگران. (فسایی، ۱۳۸۲: ۵۹۹/۱) با این وجود حضور آنها در سپاهیان خوانین پررنگ تر و مهم تر بود. آنها بخشی از قوای نصیر خان را تشکیل می دادند. او با اتکای به همین نیروها توانست در سال ۱۱۳۱ خ بندرعباس را تصرف کند و بر آن اعمال حاکمیت کند. نمونه دیگر آن را می توان در اقدام ملاعلی شاه دید. زمانی که بلوچ ها به بندرعباس حمله کردند و اطراف آن را غارت کردند، او در صدد برآمد تا آنها را به استخدام خود درآورد و از آنها برای مقابله با محمدبیگ شاملو که قصد یورش به بندرعباس را داشت استفاده کند. (Saldanha, 1986: v.1, p:75) در مورد شیخ ناصر بوشهری نیز گزارشی در دست است که در طی حمله به بحرین تعداد زیادی از افرادش را از دست داد. از این رو برای حفظ موقعیتش در بوشهر و مقابله با دشمنانش به استخدام نیروی از میان دشتستانی ها و دیگر گروه های ساکن در مناطق پس کرانه ای پرداخت. (فلور، ۱۳۷۱: ۱۸۵)

۷- داشتن مجموعه ای از خوانین تابع کوچک تر

از دید و بریکی از اشکال تبلور نظام سنتی پدرشاهی را می توان در نظام فئودالی مشاهده کرد. او می نویسد ساختار روابط فئودالی با حیطه وسیع اختیارات و بی ثباتی مواضع قدرت در پاتریمونیا لیسم خالص قابل مقایسه است. نظام فئودالی غرب مورد خاصی از پاتریمونیا لیسم است که به روابط ثابت و بارز بین ارباب و واسال گرایش دارد. (ویر، ۱۳۸۴: ۴۳۱) او از ارائه یک تعریف کامل و روشن در مورد نظام فئودالی اجتناب می ورزد و در جاهای مختلف تعاریف گوناگونی ارائه می دهد. در جایی آن را «حکومت اشرافیت نظامی زمین دار» تعریف می کند (همانجا) و در جایی دیگر آن را وابستگی موروثی به تعهدات و زمین می داند. (همان: ۴۳۲)

یکی از ویژگی های نظام فئودالی مخالفت فئودال با تجمع ثروت در دست بورژوازی بود. در این نظام فئودال تلاش می کرد تا دامنه ثروت تاجرا را محدودتر سازد. از این رو است که به طور مثال در ژاپن می بینیم تجارت خارجی به شدت محدود می شود و برای تجار محدودیت هایی چون خرید زمین قائل می شدند. این کار عمدتاً در جهت تثبیت نظام اجتماعی موجود بود. (همان: ۴۴۹؛ آندرسون، ۱۳۸۸: ۲۲-۶۲۱)

در حالی که در نظام سیاسی جنوب فارس در این دوره خان خود مروج و مشوق تجارت و بازرگانی بود. این مسئله می تواند از چندین عامل نشأت گرفته باشد:

۱- در نظام خان‌خانی، خان از درآمد ارضی چندانی برخوردار نبود. از این رو تجارت یکی از مهم‌ترین منابع درآمد او به‌شمار می‌رفت.

۲- پایگاه‌های اجتماعی خان شهر بود. رونق شهرهای حوزه قلمرو یک خان می‌توانست برای او اعتبار و حیثیت به همراه داشته باشد.

۳- برخلاف نظام فتودال، خان به تاجر به عنوان یک رقیب نگاه نمی‌کرد و تجارت را پست نمی‌شمرد. از نظر او تاجر یک منبع درآمد بالقوه بود. علاوه بر آن در موارد بسیاری خود خوانین به‌طور مستقیم در کار تجارت دخالت داشتند و گاهی خود جزء تاجر بزرگ محسوب می‌شدند. در حالی که فتودالیسم ماهیتاً از سوداگرایی تجاری بورژوازی روی گردان بود و آن را به عنوان حرص مبتذل و نیروی زندگی که به خصوص با آن در ستیز بود تلقی می‌کرد. (وبر، ۱۳۸۴: ۴۵۱)

۴- در نظام فتودالی صعود به مقام اشرافیت مستلزم زمین‌داری بود و بسیاری از به اصطلاح «نوکیسه‌ها» تلاش می‌کردند با خرید زمین این مقام را به دست آورند. (همان: ۴۴۹) در حالی که در نظام خان‌خانی صرف تملک زمین نشان‌دهنده اشرافیت نبود. آنها چندان رغبتی به سرمایه‌گذاری در زمین نداشتند و منابع موجود نیز در این مورد داده‌ای ارائه نمی‌دهند. گرایش تاجر به زمین‌داری در قرن ۱۳ خ به دلایلی دیگر مربوط می‌شود.

در فارس هر منطقه دارای یک خان بزرگ بود که تعدادی خوانین شهرهای کوچک‌تر تابع او به‌شمار می‌رفتند. این تابعیت از دو عامل نشأت می‌گرفت:

الف) ترس: گاهی یک خان کوچک به دلیل ترس از حملات خان بزرگ ناگزیر بود تابعیت او را بپذیرد. در این صورت او برای اعلام وفاداری به ارسال گروگان و پرداخت هدایا و مالیات مبادرت می‌ورزید. (استرآبادی، ۱۵۲۵۵/۹۰۷۷۹: برگ ۱۲۶ به بعد)

ب) اشتراک منافع: گاهی دو خان دارای منافع مشترک بودند و همین عامل موجب اتحاد آن دو می‌شد. این منافع می‌توانست سیاسی یا اقتصادی باشد. در این حالت تابعیت با توجه به تغییر منافع می‌توانست گسسته یا مستحکم‌تر شود. علاوه بر این خان بزرگ مجبور بود در اقداماتش خواسته‌های خوانین تابع را در نظر داشته باشد.

از ویژگی نظام خان‌خانی در فارس برخلاف نظام فتودالی آن بود که خان با گسترش قلمروش خوانین کوچک‌تر را به شرط اطاعت تابع خویش می‌سازد. در حالی که در نظام فتودالی، فتودال بزرگ زمین‌های قلمروش را بین کارگزارانش تقسیم می‌کرد. (Ricks, 1974: 418) در نظام خان‌خانی

تابعیت بر اساس سوگند وفاداری نیست بلکه علل دیگری چون قدرت برتر نظامی خان بزرگ یا رقابت‌های خوانین دیگر و نیاز به کسب حمایت خوانین کوچک باعث آن می‌شد.

۸) دیوان‌سالاری ابتدایی

از دیگر ویژگی این نظام نبود دستگاه عریض و طویل اداری است. در منابع هیچ اشاره‌ای به مناصب اداری که از مشخصه‌های نظام‌های سیاسی در ایران است وجود ندارد. این مسئله می‌تواند ناشی از چند عامل باشد:

الف) قلمرو کوچک آنها نیازمند دستگاه اداری چندانی نبود و با کمک چند کارگزار می‌توانستند به سادگی آن را اداره کنند.

ب) بیشتر مناطق حوزه حکومت آنها تحت تابعیت بودند و خود خان به‌طور مستقیم در اداره آنها دخالت نمی‌کرد. او تنها به پرداخت مالیات و ارسال نیروی جنگی در صورت نیاز بسنده می‌کرد.

ج) نظام خان‌خانی نتوانست مدت زیادی به صورت مستقل به حیات خود ادامه دهد. آنها مجبور شدند ابتدا سیادت زندیه و سپس قاجاریه را بپذیرند. از این رو نتوانستند به روند رو به رشد خود ادامه دهند.

در این دوره در فارس چندین شهر بودند که دارای این شیوه حکومت بودند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: لار، بوشهر، بندرعباس، کازرون، بستک و جهرم. شیراز به دلیل مرکز ایالت بودن سیر تغییرات و تحولات در آن چنان سریع بود که کمتر مجالی برای استقرار این نوع نظام به وجود آمد. در واقع این نظام بیشتر در شهرهایی شکل گرفت که شهرهای تجاری و شهر-بازار بودند. بیشترین این خوانین در همین دوره شروع به قدرت‌گیری کردند اما بودند شهرهایی که سابقه حکومت خوانین آن به چندین قرن می‌رسید مانند کازرون و جهرم. آنها می‌کوشیدند تا حکومت مرکزی کمترین دخالت را در امور آنها داشته باشد. البته شهرهای همچون لار در صدد بودند تا گذشته خود را احیاء کنند و به عنوان ایالتی مستقل درآیند.

پیشینه پژوهش

امروزه مسئله تجارت و رابطه آن با قدرت سیاسی دارای اهمیت بسیاری است که در خصوص

آن کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و تحقیقات فراوانی وجود دارد. اگر بخواهیم ریشه‌های این پژوهش‌ها را دریابیم باید گفت که برای اولین بار زمانی که موضوع چگونگی پیدایش سرمایه‌داری در غرب مطرح شد، نقش و تأثیر قدرت تجاری در تحولات سیاسی به‌طور برجسته نمایان شد. در ایران این مسئله بیشتر معطوف به دوره قاجار است که بازرگانان به‌عنوان حامیان مالی مشروطیت نقش بسزایی در پیروزی آن ایفا کردند. هرچند در خصوص نقش و حضور بازرگانان در جنبش‌های پیش از مشروطه نیز کارهایی توسط همانا طبق و فریدون آدمیت صورت گرفته است. اما در مورد پیش از دوره قاجار آثار چندانی درباره رابطه ساخت سیاسی با ساخت تجاری نوشته نشده است؛ به‌ویژه برای یک محدوده خاص زمانی و جغرافیایی. اگرهم کاری صورت گرفته باشد تجارت را زیر عنوان بررسی‌های اقتصادی قرار داده‌اند و به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار نگرفته است. نمونه آن را می‌توان در کتاب *دولت نادرشاه اثر آرونوا و اشرفیان* دید. ازاین‌رو یافتن اثری که با رویکرد این پژوهش به موضوع روابط سیاست و تجارت فارس پردازد دشوار است و آثاری که در این مورد وجود دارد تنها ناظر بر بخشی از موضوع حاضر می‌باشد که در اینجا به معرفی، نقد و تفاوت‌های آنها با رویکرد این پژوهش می‌پردازیم:

الف) کتاب‌ها

۱- آرونوا، اشرفیان، (۱۳۵۶)، *دولت نادرشاه افشار*، ترجمه حمید امین، تهران، انتشارات شبگیر. این کتاب جزء نخستین آثاری است که در مورد اوضاع اقتصادی-اجتماعی دوره نادرشاه نوشته شده و به فارسی برگردانده شده است. نویسندگان کتاب با دقت فراوان، با استفاده از منابع گوناگون - به‌ویژه منابع روسی که در اختیار داشتند - داده‌های زیادی را جمع‌آوری کرده‌اند. یکی از مباحث مهم کتاب، شورش‌ها و اوضاع تجاری ایران به‌طور کلی است که در طی آن به ایالت فارس نیز اشاراتی دارند. نویسندگان این کتاب به دلیل پیروی از سنت حاکم بر تاریخ‌نگاری شوروی سابق در صدد بودند تا ثابت کنند ایران آن دوره در مرحله فئودالی قرار دارد و شورش‌ها بر ضد نادرشاه، قیام فئودال‌های کوچک بر ضد فئودال بزرگ (نادر) است و تمام قیام‌ها و شورش‌ها دارای زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی هستند. ازاین‌رو بسیاری از حقایق تاریخی را نادیده گرفتند و با گزینش‌های ناقص وقایع تاریخی و در کنار هم قرار دادن آنها، تحلیل‌های نادرست و گمراه‌کننده از اوضاع اجتماعی و اقتصادی آن دوره ارائه دادند. هرچند برخی از شورش‌ها دارای ماهیت اجتماعی - اقتصادی بودند اما باید تأکید کرد که بسیاری از آنها براساس زمینه‌های

سیاسی شکل گرفته است و برخلاف نظر نویسندگان کتاب که این دوره را عصر فتودالی می‌دانند نشان خواهیم داد که ویژگی‌های نظام فتودالی را نمی‌توان بر این دوره تطبیق داد و گزینه «دوره خان‌خانی» بهتر می‌تواند وضعیت سیاسی - اقتصادی آن عصر را بیان کند.

۲- فلور، ویلم، (۱۳۶۵)، *برافتادن صفویان، برآمدن محمود افغان*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس.

۳- فلور، ویلم، (۱۳۶۷)، *اشرف افغان در تختگاه اصفهان*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس.

۴- فلور، ویلم، (۱۳۶۸)، *حکومت نادرشاه*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس.

۵- فلور، ویلم، (۱۳۷۱)، *اختلاف تجاری ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس.

۶- فلور، ویلم، (۱۳۷۱)، *صنعتی شدن ایران و شورش شیخ احمد مدنی*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، توس.

7- Floor, Willem, (2009), *The Rise and Fall of NADER SHAH: Dutch East India Company Reports (1730-1747)*, Mage Publishers, USA.

فلور در این مجموعه آثار خود به بررسی مسئله اوضاع سیاسی و تجاری فارس و خلیج فارس در دوره مورد بحث می‌پردازد. مبنا و اساس تمامی این آثار بر پایه گزارش‌های روزانه هلندیان در بندرعباس و اصفهان نهاده شده است. این گزارش‌ها حاوی نکات بسیار ریز و جزئی در خصوص وقایع و رویدادهای آن دوره می‌باشد. همچنین این آثار دربردارنده داده‌های تجاری اعم از میزان صادرات و واردات، حجم کالا، نوع کالا و ارزش کالا است که بر اهمیت آن می‌افزاید. با وجود این، این کتاب‌ها تنها بیانگر دیدگاه نویسندگان گزارش‌های آن دوره می‌باشد و فلور بدون رجوع به دیگر منابع - فارسی یا انگلیسی - به نقل آنها می‌پردازد و از تحلیل و بررسی و چرایی و چگونگی رویدادها کمتر سخن می‌گوید. هر چند در این مورد استثناهایی نیز وجود دارد مانند مقاله شورش شیخ احمد مدنی. نقطه ضعف دیگر این دست آثار این است که هلندیان تنها به ثبت گزارش‌هایی اقدام می‌کردند که به طور مستقیم با منافع آنها ارتباط داشت و به رویدادهای دیگر توجه چندانی نداشتند. برخلاف آثار فلور که دارای شیوه‌ای یکسان در ارائه مطالب خود می‌باشد در اینجا سعی می‌شود به ساخت سیاسی و تجاری توجه شود و با مراجعه به آثار دیگر و به ویژه کتاب‌های فارسی که در آثار فلور مورد غفلت قرار گرفته بر این موضوع تأکید شود که روابط بین این دو ساخت بر چه مبنایی قرار داشت و این دو ساخت چه تأثیرات

مقابلگی بر یکدیگر نهادند.

۸- اسدپور، حمید، (۱۳۸۷)، *تاریخ اقتصادی و سیاسی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه*، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

این کتاب در واقع پایان نامه اسدپور بود که به صورت کتاب منتشر کرده است. هرچند عنوان کتاب بیانگر بررسی تاریخ سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در دوره افشار و زند می باشد، ولی مؤلف نگاهی به خلیج فارس در دوره صفویه نیز دارد. بخشی که برای این پژوهش حایز اهمیت است فصل «حکام محلی کرانه های خلیج فارس در دوران افشاریه و زندیه» است که در آن به نقش حکام محلی در تجارت خلیج فارس نیز اشاره می کند. اما نویسنده تنها به ملاعلی شاه و حکام بوشهر می پردازد و توجهی به دیگر حکام، همچون نصیرخان لاری، و تأثیر آنها بر تجارت منطقه نمی کند. ضعف عمده این بخش از کتاب را می توان عدم توجه نویسنده به ماهیت روابط گروه های سیاسی و تجاری اشاره کرد که خود ناشی از کارکرد و ساخت این گروه ها است. ما در اینجا بر این مسئله تأکید خواهیم ورزید که تنها عملکرد حکام بنادر در جابه جایی کانون های تجاری در این دوره مؤثر نبود بلکه بیشترین نقش را باید ناشی از فشارهایی دانست که از مناطق پس کرانه ای به این بنادر وارد می شد و بدون شناخت عملکرد حکام آن مناطق نمی توان به درک درستی از چرایی و چگونگی این جابه جایی ها دست یافت.

(ب) مقالات:

1- Floor, Willem, (2005), *Dutch Trade in Afsharid Persia (1730-1753)*, *Studia Iranica (paris)*, vol.34.

این مقاله فلور در واقع بخشی از کتاب اختلاف تجاری ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان است که به موضوع تجارت ایران با هلند در دوره افشاریه می پردازد. آنچه که بر اهمیت این مقاله می افزاید وجود داده های آماری در پایان مقاله است که میزان تجارت این دو کشور را در آن دوره نشان می دهد. این مقاله هم همان رویکرد خاص آقای فلور را دارا است.

2- Mohammad Reza Afshari: *The Pishivaran and Merchants in precapitalist Iranian society: An Essay on the background and cusses of Constitutional Reveolution*, *International Journal of Meddle East Studies*. vol 15, No.2 (May, 1983).

نویسنده در این مقاله به تاریخچه ای از روابط پیشه وران و بازرگانان با ساخت سیاسی و دلایل ناتوانی بازرگانان برای حضور در فعالیت های سیاسی پیش از انقلاب مشروطیت می پردازد. از نظر نویسنده نخستین حضور بازرگانان در عرصه سیاسی به دوره مورد بحث ما

برمی‌گردد و درصدد است با برداشتی مارکسیستی دلایل شکست آنان را به واسطه عدم رشد بورژوازی در جامعه ایران نسبت دهد.

نقد و بررسی منابع

یکی از مشکلات اصلی بررسی فارس در این دوره زمانی کمبود منابع است. هرچند به‌طور عموم در خصوص وقایع این دوره منابع زیادی وجود دارد؛ اما زمانی که بخواهیم مسایل را به صورت جزئی‌تر مورد پژوهش قرار دهیم با کمبود داده‌ها مواجه می‌گردیم. این کمبود اطلاعات به‌ویژه در خصوص تاجرو تجارت دوچندان است. به‌گونه‌ای که در بیشتر موارد ناگزیر به منابع اروپایی باید استناد جست. با این وجود می‌توان در منابع فارسی اطلاعات مهمی به دست آورد که باید آنها را با منابع دیگر مورد ارزیابی قرار داد. در اینجا به بررسی برخی از مهم‌ترین این منابع اشاره می‌کنیم.

منابع فارسی

متون تاریخی

عالم آرای نادری

از میان منابع این دوره کتاب *عالم آرای نادری* نوشته محمدکاظم مروی که در خصوص اعمال، رفتار و فتوحات نادر است از اهمیت بسزایی برخوردار است. محمدکاظم در سال ۱۱۰۰ خ در مرو متولد شد. دوران بچگی او هم‌زمان با اوضاع نابسامان خراسان بود. از یک سوی سقوط اصفهان موجب سربرآوردن مدعیان قدرت در هر گوشه‌ای از مملکت شده بود و از سوی دیگر حملات افغان‌های هرات و ازبکان، موجی از وحشت و کشتار را در آن دیار ایجاد کرد. پس از به قدرت رسیدن نادرشاه پدرش وارد دستگاه ابراهیم خان - برادر نادر - شد. مروی خود نیز در سال ۱۱۱۲ خ و در سن شانزده سالگی به دستگاه او پیوست. مدتی پس از آن نگذشت که پدرش درگذشت و او با اجازه ابراهیم خان همراه با جنازه پدرش راهی مرو شد. مدتی بعد بار دیگر وارد دستگاه دیوانی نادرشاه شد و به منصب وزارت مرو رسید. کتاب *عالم آرای نادری* شرح تفصیلی زندگانی نادرشاه از بدو ولادت تا هنگام مرگ است. او برخلاف استرآبادی خود همراه با نادرشاه در یورش‌ها و جنگ‌ها حضور نداشت. از این رو منابع او بیشتر افراد مورد اعتماد و روایت‌هایی بود که

از دیگران می‌شنید. این ویژگی او باعث شده است که در اثر او مطالبی یافت شود که در کمتر منابع رسمی آن دوره به آنها اشاره شده است. اهمیت این کتاب برای فارس از همین جنبه قابل بررسی است. روایاتی که او در خصوص فارس می‌آورد در منابع آن دوره کمتر به آنها پرداخته شده است. به طور مثال در مورد شورش محمدتقی خان یک روایت غیررسمی را بیان می‌کند که در آن به شورش از طرف مردم تأکید می‌شود. نمونه دیگر در مورد اختلاسی است که از طرف مأموران مالیاتی کنگ صورت می‌گیرد. ضعف عمده این روایات برمی‌گردد به راویان آنها، افرادی که این اطلاعات را در اختیار مروی قرار می‌دادند در بسیاری از موارد سپاهیان و مردمان کم‌سواد بودند که تنها با اتکای به حافظه خود آنها را برای مروی بیان می‌کردند. این مسئله موجب شده است که برخی از روایات او مبهم، نام‌ماکن نامعلوم و چندین واقعه تاریخی را در یکدیگر ادغام کند.

جهانگشای نادری

مهم‌ترین تاریخ رسمی برای دوره نادرشاه بی‌تردید کتاب *جهانگشای نادری* اثر میرزا مهدی خان استرآبادی است. میرزا مهدی خان از اهالی استرآباد بود که در دوران نوجوانی برای تحصیل به اصفهان رفت و توانست در دستگاه دیوان سالاری صفویان شغلی برای خود پیدا کند. پس از آن که در سال ۱۱۰۸ خ نادر وارد اصفهان شد به او پیوست و جزء ملازمان او شد و منشی الممالک او شد. بعد از شورای دشت مغان منصب وقایع‌نگار رسمی دربار نادرشاه را دریافت کرد و تمام وقایع را به رشته تحریر درآورد. او در عین حال از معتمدان نزدیک او بود. نادرشاه به کرات مأموریت‌های مهم سیاسی را به او واگذار می‌کرد. در آخرین مأموریت او به بغداد و قسطنطنیه خبر مرگ شاه را شنید. پس از بازگشت به ایران عزلت گزید و به تکمیل اثر خود پرداخت. کتاب *جهانگشای نادری* شرح حال نادرشاه از هنگام تولد تا پس مرگ او است. نویسنده شرح مختصری در خصوص حوادث دوران علی‌قلی خان و ابراهیم خان نیز دارد. اما محتوای اصلی کتاب ستایش از پیروزی‌های نادرشاه است که نویسنده خود در بیشتر آنها حضور داشته است. ایراد اساسی این کتاب آن است که تمام حوادث حول شاه می‌چرخد. نویسنده تنها به ذکر وقایعی می‌پردازد که نادر در آنها حضور دارد و به حوادثی که او شخصاً در آنها حضور ندارد کمتر اشاره می‌کند. مطالب موجود در این کتاب در مورد وقایع فارس را می‌توان روایت رسمی نامید. در مواردی به دلیل نداشتن اطلاع صحیح از پراکندگی نیروها در فارس دچار اشتباهات فاحش

شده است. نمونه آن را درباره شورش شیخ احمد مدنی می‌توان دید که مردم اوز را همگی عرب می‌داند. بااین حال از آنجایی که استرآبادی منعکس‌ننده روایت رسمی در خصوص فارس است از لابه لای کتاب او دیدگاه دولت نادرشاه را درباره فارس می‌توان مشاهده کرد.

تاریخ گیتی‌گشا

این کتاب اثر میرزا صادق موسوی اصفهانی است که به دستور جعفرخان در تاریخ زندیه نوشته است. او پیش از آن که بتواند این کار را به اتمام برساند وفات یافت. از این رو افراد دیگری به ذیل نگاری بر آن پرداختند و دو ذیل بر آن نوشتند. به گونه‌ای که می‌توان گفت این کتاب خود از سه کتاب تشکیل شده که هریک را فردی نگاشته است. این کتاب شامل شرح سلسله زندیه از ابتدای کار تا برآمدن قاجار است که از اغراق‌گویی و مغلق‌گویی پر است. اهمیت اساسی این کتاب اطلاعاتی است که نویسنده در مورد آغاز کار کریم خان ارائه می‌دهد. او همچنین در مورد روابط کریم خان با خوانین فارس مطالب ارزنده‌ای دارد که برای فهم تاریخ این دوره فارس بسیار مهم است. البته باید بر این نکته تأکید کرد که نویسنده چون مورخ رسمی خاندان زند بود در نوشته‌های خود همیشه جانب زندیه را مدنظر دارد و دشمنان و مخالفان آن سلسله را افرادی خائن و یهودی‌زاده می‌داند. در مورد جنگ‌های دوره کریم خان دچار یکجانبه‌نگری است. حتی زمانی که کریم خان در کسب پیروزی ناکام می‌ماند سیر حوادث را چنان بیان می‌کند که گویی تنها به دلیل رحم و شفقت شاهانه است که خان زند بر ادامه جنگ یا محاصره اصراری نمی‌ورزد و گرنه کسب پیروزی برای او کار چندان سختی نبود.

فارسنامه ناصری

فارسنامه ناصری اثر میرزا حسن حسینی فسایی یکی از جامع‌ترین تواریخ محلی است که در خصوص فارس تا سال ۱۲۶۲ خ نوشته شده است. کتاب در دو جلد تألیف شده است: جلد اول وقایع سیاسی فارس از ابتدای تاریخ تا سال ۱۲۶۲ خ و جلد دوم به جغرافیا، رودها، ایلات و اجتماع فارس اختصاص دارد. هرچند بخش نخست آن بیشتر گردآوری داده‌های تاریخی بر اساس منابع پیش از خود است بااین حال اطلاعاتی که او در این بخش فراهم آورده جامع و کامل است. این داده‌ها بیشتر از آن جهت اهمیت می‌یابد که برخی از منابع آنها از دست رفته یا

او خود بر فرمان‌ها و اسنادی دسترسی داشته که امروزه در اختیار ما نیست. آن بخش که مربوط به دوره ما است بیشتر از این منابع گرفته شده است: روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس، جهانگشای نادری، تاریخ گیتی‌گشا و مجمل‌التواریخ.

بخش دوم کتاب او حاصل مسافرت‌هایی بود که او به عنوان یکی از کارگزاران دیوان سالاری قاجار به مناطق مختلف فارس داشت و حاصل آن را در جلد دوم *فارس‌نامه* می‌توان دید. هر چند در نوشتن این کتاب از مطالب جلد اول به کرات استفاده شده است اما مهم‌ترین بخش برای ما جلد دوم است که در آن در مورد تجارت، تولیدات، خاندان‌های تاجر و خاندان‌های حکومت‌گر فارس مطالب ارزنده‌ای دارد که در منابع دیگریافت نمی‌شود. اطلاعات این بخش را می‌توان به چندین دسته تقسیم کرد:

الف) محصولات کشاورزی و تولیدات صنایع دستی: این کتاب، مهم‌ترین اثر فارسی است که در آن به طور مفصل درباره محصولات کشاورزی و تولیدات صنایع دستی در مناطق مختلف فارس مطالب ارزشمندی را در اختیار ما قرار می‌دهد. اگرچه بیشتر داده‌های آن مربوط به دوره قاجار است، با این حال منابع اروپایی معاصر با دوره مورد بحث ما تا حدود زیادی آن را تأیید می‌کنند.

ب) جغرافیا: فسایی تقسیم‌بندی جدیدی از جغرافیای فارس را ارائه می‌دهد که نظام اداری فارس در دوره قاجار بر اساس آن قرار داشت. طبق آن فارس به بلوک‌هایی تقسیم می‌شد که بر هر یک از آنها یک عامل و نماینده محلی نظارت می‌کرد. این بلوک‌ها با ولایات در دوران پیشین مطابقت داشت. دیگر ویژگی این تقسیم‌بندی، مرزبندی دقیق و مشخص بین مناطق سردسیر و گرمسیر بود که بر اساس آن می‌توان تفاوت‌های آنها را در زمینه تجارت و کشاورزی مشاهده کرد.

ج) ایلات: بخشی از این کتاب به مسئله ایلات، تاریخچه و پراکندگی آنها در فارس می‌پردازد. هر چند در این بخش اطلاعات مهمی چون نام‌ها و اسامی مناطق قشلاق و بیلاق آنها وجود دارد؛ با این حال در مواردی داده‌های آن ناقص و گمراه‌کننده است. به طور مثال فسایی در خصوص ایلات خمسه تا پیش از دوره ناصری هیچ‌گونه آگاهی به ما نمی‌دهد. این مسئله سبب شده تا برخی به اشتباه تشکیل اتحادیه ایلات خمسه را به دوره ناصر نسبت دهند. در حالی که اسناد موجود نشان می‌دهند سابقه آنها حداقل به اوایل دوره قاجار می‌رسد.

د) تجارت: *فارس‌نامه* ناصری از مراجع و منابع مهم در خصوص تجار و تجارت در فارس

است که می‌توان در آن اطلاعات ارزشمندی را یافت. فسایی در توصیف هر بلوک به مشاهیر آنجا نیز اشاره می‌کند که در آن اطلاعاتی در خصوص تجار، سابقه خانوادگی و حتی نوع کالاهایی که آنها دادوستد می‌کردند به دست می‌دهد که در منابع دیگر کمتر یافت می‌شود. علی‌رغم تمام ویژگی‌های بالا، این کتاب نواقصی نیز دارد. شاید بتوان مهم‌ترین نقیصه آن را عدم ذکر راه‌ها و مسیرهای کاروان‌رو دانست که این موضوع می‌توانست بر ارزش کتاب بیفزاید.

روزنامه میرزا محمد کلانتر فارس

یکی از مهم‌ترین منابع این دوره شرح حالی است که میرزا محمد کلانتر نوشته است. مؤلف در سال ۱۰۹۹ خ در شیراز متولد شد و در سال ۱۱۶۵ خ در تهران وفات یافت. کتاب، شرح حال نویسنده از بدو تولد تا زمان مرگ او است. این کتاب از دو وجه دارای اهمیت است: الف) شرح وقایع و رویدادهای سیاسی فارس از حمله افغان‌ها تا سال ۱۱۶۵ خ ب) سازمان و دیوان سالاری منطقه فارس. میرزا محمد در دوران نوجوانی پس از مرگ پدرش در کنف حمایت دایی‌اش - میرزا حسین صاحب تولیت شاهچراغ - قرار گرفت. این موقعیت زمینه‌ای فراهم ساخت تا میرزا محمد بتواند از نزدیک با مسایل سیاسی آشنا شود. به‌ویژه که دایی او از هواداران و نزدیکان نادرشاه در فارس بود. پس از آن‌که میرزا حسین مرد، کریم‌خان زند، میرزا محمد را به کلانتری فارس برگزید و او توانست همچنان به نفوذ خود در فارس ادامه دهد. بی‌تردید بررسی تاریخ سیاسی فارس در این دوره بدون توجه به نقش این خاندان در وقایع و رویدادها امکان‌پذیر نیست. هرچند پری، میرزا محمد را به خودبزرگ‌بینی متهم می‌کند که نقش خود و دایی‌اش را به ضرر دیگر بازیگران سیاست فارس در این دوره برجسته می‌سازد؛ اما تردیدی نیست که در بسیاری از وقایعی که در این دوره در فارس رخ داد می‌توان رد پای این خاندان سیاست‌پیشه را به وضوح دید. اهمیت این کتاب در بیان جزئیاتی است که در منابع معاصر آن دوره کمتر به آنها پرداخته شده است. به‌طور مثال در هیچ‌یک از منابع زندیه به شورش خوانین دشتستانی در دشتستان برضد کریم‌خان اشاره نمی‌شود و همه منابع از شورش آنها در اصفهان سخن رانده‌اند. ما تنها از طریق میرزا محمد در مورد این شورش اطلاعاتی در دست داریم.

تحقیقات جدید و منابع ترجمه شده

در خصوص دوره مورد بحث ما تاکنون آثار متعددی به زبان فارسی و انگلیسی تألیف شده است که آنها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) آثاری که به تاریخ ایران به طور عموم در این دوره می‌پردازند. ب) آثاری که مختص به فارس هستند. ارزشمندی این آثار برای بررسی مبحث این پژوهش یکسان نیستند. برخی از آنها همچون کتاب‌های نوایی در بخش بررسی تاریخی این دوره فاقد نکات مفید برای ما است؛ اما اسنادی که در آن در آنها گرد آورده شده‌اند از ارزش بسیاری برخوردار هستند که در این پژوهش به کرات از آنها استفاده شده است. نمونه دیگر از این دست کتاب‌ها می‌توان به کتاب کریم‌خان زند و زمان/اثر پرویز رجبی اشاره کرد. این کتاب هرچند برای فهم دوره کریم‌خان اثر مهمی به شمار می‌رود؛ اما برای این پژوهش چندان مفید فایده نبود. از این رو در این کتاب کمتر بدان استناد جسته‌ام. در اینجا به نقد و بررسی برخی از مهم‌ترین کتاب‌هایی در این پژوهش به آنها استناد شده‌اند می‌پردازیم.

تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، رضا شعبانی

شعبانی در این کتاب خود تلاش کرده است تا نگاهی به مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دیوانی عصر افشاریه داشته باشد. این کتاب در واقع مجموعه‌ای از مقالات است که برخی از آنها پیش از این در نشریات گوناگون چاپ شده‌اند. ارزش کار این اثر آن است که مؤلف از گزارش‌های بیگانگان معاصر با نادرشاه و نیز نسخه‌های خطی کمیاب استفاده کرده است. او بدین ترتیب موفق شد تا تصویری از فضای سیاسی - اجتماعی عصر نادری را برای خوانندگان امروزی ترسیم کند. با این حال این کتاب دارای کاستی‌هایی به ویژه در مورد تغییرات دیوانی در عصر نادرشاه است. به طور مثال او نتوانسته تصویر روشنی از منصب صاحب اختیار به دست آورد و آن را بیشتر منحصر به افراد خاندان نادرشاه قلمداد کرده است. در حالی که بررسی دقیق‌تر منابع خلاف گفته او را تأیید می‌کنند. نمونه دیگر از آن را می‌توان در مورد سید احمد خان مشاهده کرد که نویسنده در تحلیلش سعی کرده تا از او یک شخصیت میهن‌پرست به تصویر درآورد و او را با بهرام چوبین مقایسه می‌کند. اما بررسی عملکرد سید احمد خان نشان می‌دهد او مانند دیگر مدعیان سلطنت در آن دوره در صدد بود از آب گل آلود ماهی بگیرد و عملکرد او از میهن دوستی نشانی به دست نمی‌دهد.

کریم خان زند

کتاب کریم خان زند اثر جان پری یکی از بهترین کتاب‌هایی است که تاکنون در مورد کریم خان نوشته شده است. مؤلف علاوه بر منابع فارسی، از گزارش‌های انگلیسی‌ها در بندرعباس و بوشهر برای تألیف اثر خود استفاده کرده است. آشنایی نویسنده با زبان فارسی نقش مهمی در تحلیل‌ها و برداشت‌های تاریخی او ایفا کرده است. او با کمک گزارش‌های انگلیسی‌ها اطلاعات ارزنده‌ای در خصوص نصیرخان و ملاعلی شاه ارائه می‌کند. با این حال او به شدت متأثر از این گزارش‌ها است و در خصوص روابط انگلیسی‌ها و خوانین تمام تحلیل‌هایش متکی بر این گزارش‌ها قرار دارد. از سوی دیگر پری تحت تأثیر مورخان رسمی قرار گرفته است و در مواردی دیدگاه‌های این دسته از مورخان را تکرار می‌کند. نمونه آن را می‌توان در مسئله روابط کریم خان با نصیرخان و دیگر خوانین دید که او از اصطلاح «مطیع‌سازی» استفاده می‌کند. درحالی‌که عملیات ابتدایی کریم خان برضد این دسته از خوانین بیشتر ایدایی و به قصد گردآوری مالیات و پول بود.

دولت نادرشاه افشار

کتاب دولت نادرشاه افشار نوشته آرونوا و اشرفیان جزء نخستین کتاب‌هایی است که در خصوص اقتصاد و اجتماع ایران در دوره نادر نوشته شده است. باید گفت که به دلیل دسترسی نویسندگان این کتاب به منابع مختلف فارسی و گزارش‌های روسی، حاوی اطلاعات فراوانی است که در کمتر کتابی می‌توان آنها را یافت. با این حال این کتاب به شدت متأثر از فضای تاریخ‌نگاری شوروی کمونیستی است. علی‌رغم آن که نویسندگان مدعی نگاه علمی به این دوره از تاریخ ایران هستند متأسفانه تنها چیزی که نمی‌توان در این اثر دید علمی بودن آن است. نویسندگان این کتاب وجود مناسبات فئودالی در این دوره را اصلی مسلم قلمداد کرده‌اند و تمام تحلیل‌های خود را برپایه این اصل نادرست قرار داده‌اند. آنها بر همین اساس به تحلیل شورش‌ها پرداخته‌اند و آنها را قیام‌های خلقی برضد فئودال‌ها می‌دانند. درحالی‌که وجود نظام فئودالی در این دوره یک تصور واهی و نادرست است.